

یادی از شهید مفقودالثر علیرضا ملازاده یزدانی، مسئول بهداری لشکر هنصر، در سی وهفتمین سالگرد عروجش

بهیاری که تانک شکار می کرد

فعالیت های انقلابی مردم ایران به اوج خود رسیده بود. علیرضا نیز به خیل عظیم مردم پیوست و به مبارزه با رژیم پرداخت. پس از انقلاب به مدرسه برگشت و دیپلمش را گرفت. در سال ۱۳۵۹ به عنوان پاسدار مشمول، به عضویت سپاه پاسداران درآمد و به سرخس اعزام شد و در چندین عملیات به مبارزه با اشترار این منطقه پرداخت. سپس در آموزشکده شهید بهشتی مشهد، دوره پزشکیاری را با رتبه عالی پشت سر گذاشت و به جبهه اعزام شد. در عملیات های بسیاری از جمله عملیات

برگشتیم، مسئول آموزش روه شهید یزدانی کرد و گفت:شما چرا جلسه را شاد رایه هم زدید؟ شهید یزدانی گفت: من فقط امر به معروف و نهی از منکر کردم و از خودم پشیمان نیستم.
فرشته نجات
توحیدی راد، هم رزم شهید
عملیاتی در ارتفاعات کله قندی بود. نیروهای ما سربازان دشمن را که جاسم، داماد صدام، فرماندهی شان را بر عهده داشت، روی ارتفاعات کله قندی محاصره کرده بودند. تانک های عراقی برای شکستن محاصره حمله سنگینی را آغاز کردند و چیزی نماده بود که موفق شوند. ما پشت خاکریز پدومیم که شهید باسیر شویم. اما یک دفعه یکی از رزمندگان مثل فرشته نجات به طرف خاک ریزی که تانک ها پشتش بودند پربو و با شلیک چند آری بی جی، دوسه تا از تانک ها را منهدم کرد. تانک های دیگر هم عقب نشینی کردند و وقتی نگاه کردیم، دیدیم که فرشته نجاتمان کسی نبوده است جز شهید علی یزدانی.
باینکه مسئول بهداری بود، هر وقت لازم می شد،

با شجاعت تمام کار یک رزمنده را انجام می داد.

● مرد خون سرد مهلکه ها!

سیداحمد احمدی

در عملیات فتح المبین قرار بسود برادر یزدانی و یکی از برادران سرباز از طرف به شکار تانک های

دشمن برونند. ما دلهره زیادی داشتیم، ولی این نفر با خون سردی جلسومی فرقتند. یک دفعه پشت سر آن سرباز، گلوله ای منفجر شد و کوله پشتی اش آتش گرفت و خودش هم مجروح شد، به همین دلیل نمی توانست گلوله های آری بی جی را از خودش جدا کند. امکان انفجار هر لحظه تهدیدمان می کرد. خیلی ها قرار کردند. ولی برادر یزدانی با خون سردی تمام جلو رفت و گلوله ها را از پشت او جدا کرد. موده های سر گلوله های آری بی جی را بر داشت و بلافاصله خرج موشک را باز کرد و قبل از اینکه اتفاقی بیفتد، روی آتش خاک ریخت و آن را خاموش کرد. بعد از آن ما جرئت کردیم به مجروح نزدیک شویم و او را از مهلکه بیرون ببریم.

منبع:خاطرات شهدای خراسان سایت ساجد

علیرضا ملازاده یزدانی، سال ۱۳۳۷ در روستای «توخندان» از توابع شهرستان درگز متولد شد. او تحصیلاتش را تا پایان سال چهارم دبستان در زادگاهش ادامه داد و سپس همراه با پدر که کارمند آستانه بود، به مشهد مهاجرت کرد و در این شهر ادامه تحصیل داد. هنگامی که در سال چهارم دبیرستان درسی می خواند،

● آمر به معروف

محمد رضا میر جانیان، هم رزم شهید
در سال ۱۳۶۰ همراه با ۴۵ نفر دیگر از نیروهای سپاه مشهد مشغول گذراندن دوره پزشکیاری در بیمارستان های امام رضا(ع)، قائم و امدادی بودم. شهید یزدانی هم با ما بود. یک روز در اداره ارشاد اسلامی همایشی در باره امکانات و بودجه برای تبلیغات سازمان ها و نهادهای مختلف برگزار شدو من و شهید یزدانی و چند نفر دیگر در این همایش شرکت کردیم.

آن روز یکی از برادران اداره ارشاد پشت تریبون رفت و در حین سخنرانی گفت که «سپاه بودجه زیادی را به خود اختصاص داده است. در حالی که استحقاق این بودجه را ندارد.» به محض اینکه سخنرانی تمام شد، شهید یزدانی با شجاعت بلند شد و پشت تریبون رفت و از سپاه و بودجه ای که به آن تعلق می گرفت، دفاع کرد. بعد از صحبت های شهید یزدانی، جلسه از روند اصلی خود خارج شد و بحث بین موافقان و مخالفان درباره بودجه سپاه بالا گرفت. وقتی به خوابگاه

محمدجواد اکبرپوربازگانی
یژهوشگر تاریخ جنگ ایران و عراق

پیروزی کامل نظامی دارای مفهومی دقیق و کاملاً مشخص نیست. جنگ ما در راستای اهداف سیاسی جمهوری اسلامی و در خدمت آن بود و هر موقع این اهداف سیاسی که همانا تعیین متجاوز و تنبیه آن بود، تأمین می شد، ناچار جنگ نیز پایان می یافت.

آیا اینکه کشوری که دشمن شعار تصرف پایتخت آن را می داد و تصمیم داشت دست کم یک استان آن را پس از اشغال به عنوان یک کشور مستقل از خاک آن جدا کند و همه قوانین و مقررات بین المللی را زیر پا بگذارد، خواسته خود را مبنی بر تعیین و تنبیه متجاوز و دریافت غرامت مطرح کند، یک آرمان خواهی بلند پروازانه است؟ مگر نظام بین الملل هیتر را به دلیل اقدامات مشابه صدام حسین محاکمه نکرد؟ مگر یوگسلاوی به علت تجاوز به حقوق مردم بوسنی تنبیه نشد؟ و مگر عراق در تجاوز به کویت مجبور به پرداخت غرامت نشد؟ پس چرا این خواسته را که طبق مقررات و روش جاری در حقوق بین المللی و عرف دیپلماتیک است، وقتی ایران مطرح می کند «آرمان» تلقی می شود؟

جمهوری اسلامی ایران همیشه به دنبال صلح بود و صلح نیاز دائمی هر کشوری است و راهبرد کلی مسئولان جمهوری اسلامی هم به دست آوردن صلح پایدار و شرافتمندانه بود، ولی نظام بین الملل هیچ گاه برای تحقق یک صلح پایدار و شرافتمندانه قدم پیش



خدا یا! مرا اسیر خود پسندی مگردان

مادرم! درود بر تو! درود بر آرمانت که به برادرم به خاطر عملش افتخار کردی که در راه رضای خدا بود. حال فرزندت عازم سفر است. مقصد لقاء... است. پیش از پیوستن به لقا... صدمه زدن به دشمن و فتح کربلا و قدس عزیز و پیرو ز شدن است. اگر خداوند خواست و به خیل شهیدان کربلا پیوستم، مطمئن هستم که تو چگونه هستی و از تو هیچ نارا حتی ندارم. برای برادرانم به ویژه برادر کوچکم از من بگو تا او نیز ادامه دهنده راه شهیدان باشد. به خواهرم در مسئله حجاب و حفظ اصالت اسلامی تأکید می کنم. پروردگار! مرا توفیق ده تا بتوانم ادامه دهنده راه شهیدان از صدر اسلام تا کربلا و از کربلا ی حسین (ع) تا کربلا ی دفتر حزب جمهوری اسلامی و از دفتر حزب تا کربلا های ایران و شهیدان جبهه ها باشم. خدا یا! مرا اسیر عجب و خود پسندی مگردان! خدا یا! مرا از شر شیطان و نفس حفظ کن که با احسان خود به دیگران منت نگذارم. خدا یا! مرا تا هنگامی که عرم در اطاعت تو می گذرد، عمر ده. هرگاه که عمرم چراگاه شیطان شود، بمیرانم. خدا یا! توفیق ده تا با کسی که با من رفتار خوبی نداشته است، از روی اخلاص رفتار کنم و مرا به جایی برسان که برای تو و اسلام بصیرم. به مادرم بگوید که پسر ندارم. به همه بگوید که شوهر ندارم. الهی! آن کس که تو را شناخت جان را چه کند؟ فرزند و عیال و خانمان را چه کند؟ دیوانه کنی، هردو جهانش بخشی دیوانه تو، هردو جهان را چه کند؟ الهی! هر که ترا شناسد، کار او یاریک و هر که تو را نشناسد، راه او تاریک. تو را شناختن، از تو ستن است و به تو پیوستن، از خود گذشتن است.

الهی! تا با تو آشنا شدم، از خلق جدا شدم. شهید وقتی که غرق در خون می شود، فریاد برمی آورد، خواهرانم حجاب شما از خون من رنگین تر است، من اکنون نیز فریاد برمی آورم، خواهرم! حجاب را حفظ کن. تن پوش و لباسات را حفظ کن. خواهرم! نگذار پوشش را از تو بگیرند. نگذار به اسم آزادی زن، با تو و دیگر خواهرانمان دشمنی و رفتار کنند. این فریاد از اعماق قلمم است.

فرزای از وصیت نامه شهید مفقودالثر علیرضا ملازاده یزدانی

سویه های نظامی ادامه جنگ؛ تلاش برای رسیدن به یک پیروزی نظامی

ماغیر با پروتکل ۱۹۲۵ ژنو بود، اظهار تأسّف شده است و بر خلاف قطعنامه هایی که در زمان اشغال خاک ایران صادر شده بود و در آن ها عقب نشینی را توصیه نمی کرد، در این قطعنامه از ۲ کشور درخواست شده است به مرز های بین المللی عقب نشینی کنند، بااین حال، در قطعنامه ۵۸۲ همچنان از احراز تجاوز عراق به خاک جمهوری اسلامی و پرداختن به مسئولیت کشور آغاز کننده و پرداخت خسارت اجتناب شده است.

به طور کلی از زمان شروع تجاوز عراق تا سال ۱۳۶۶، هیچ طرح مهمی که از طرف سازمان های معتبر بین المللی پیشنهاد شده باشد و متضمن برآورد شدن حداقل خواسته های قانونی ایران باشد، ارائه نشد. حتی زمانی که ایران قدرتمندانه موفق شد قسمت های از خاک عراق را تصرف کند، همه پیشنهادهای ارائه شده فقط در حد آتش پس و عقب نشینی به مرزها بود، بدون اینکه درباره پایداری صلح و شناخت متجاوز مطلبی ارائه شود.

وقتی قطعنامه ۵۹۸ مطرح شد، که در آن به نحوی به موضوع شناخت متجاوز و پرداخت غرامت به کشور صدمه دیده پرداخته شده بود، ایران آن را مثبت ارزیابی کرد. بااین حال ایران برای اجرای آن پیشنهادهایی داشت که اولویت دادن به بند شناخت متجاوز از جمله آن ها بود، ولی فشار کشورهای غربی از جمله آمریکا با دست زدن به اقداماتی همچون سرنگون کردن هواپیمای مسافربری ایران و تهدید به تجهیز صدام به بمب اتم و... مانع از تحقق این امر شد. ایران در زمینه ضعف عراقی ها در هور و کنترل نداشتن آن ها و اشراف کل وقت سازمان ملل، بسیار همکاری کرد.

اما از آنچه در عمل رخ داد می توان پاسخ واقعی این سؤال را دریافت. بدین منظور تحولات جنگ پس از پیروزی عملیات والفجر ۸ و تصرف راه مرور می کنیم:
۱- به حداقل رساندن امکان بهره برداری عراق از خلیج فارس.

۲- ورود ایران به منطقه جنوبی عراق و همسایگی ایران با کشورهای عربی که می توانست باب مذاکره با کشورهای پشتیبانی کننده عراق را برای پایان بخشیدن به جنگ بگشاید.

۳- توازن در جنگ به نفع ایران تغییر کرد و باتوجه به موفقیت بزرگ آزادی فاء، می توانست باب مذاکره برای پایان جنگ باز شود، ولی با وجود آمادگی مسئولان سیاسی کشور در این زمینه، دنیا هیچ گونه انعطافی نشان نداد و برعکس شاهد موضع گیری صریح آمریکا بودیم، موضع گیری ای مبنی بر اینکه ایران بزرگ ترین تهدید منطقه است. یک مقام امریکایی دراین باره گفته بود: «من تصور می کنم ابعاد پیروزی ایران برای منافع آمریکا در خاور میانه فاجعه به بار خواهد آورد.»

پس از تصرف فاء، شورای امنیت قطعنامه ۵۸۲ را در ۵ اسفند ۱۳۶۴ تصویب کرد. در این قطعنامه بر اصل غیر قابل قبول بودن تصرف سرزمین از راه زور تأکید شده است و نکات واقع بینانه نیز که حاکی از برتری سیاسی نظامی ایران بود، در آن به چشم می خورد و از اقدامات اولیه که سبب برخورد بین ایران و عراق شده بود، اظهار تأسف شده است.

همچنین از افزایش برخورد ها به ویژه تهاجمات ارضی، بمباران مراکز جمعیتی، حمله به کشتی های بی طرف به ویژه استفاده از سلاح های شیمیایی که

نمی گذاشت و ما ناچار به ادامه جنگ بودیم. شناخت متجاوز و پرداخت غرامت از جمله شروط اصلی ایران برای پذیرفتن صلح بود و بدون این دو، هیچ صلح پایداری برقرار نمی شد. اگر عراق به همان راحتی که به ایران تجاوز کرده بود، از جنگ فارغ می شد، هیچ تضمینی وجود نداشت که در آینده غائله دیگری درست نکند، همان طور که حمله عراق به کویت این امر را ثابت کرد. پس می بایست عراق وادار به تحمل هزینه های سیاسی و اقتصادی تجاوز خود می شد تا دیگر بار فکر تجاوز را در سر نپرواند. ولی دنیا این را نمی خواست، چون تنبیه عراق را به نفع ایران می دید. در سستی سیاست ایران زمانی خود را نشان داد که عراق سرتاسر خاک کویت را به اشغال درآورد و نظام بین الملل خسارت روی گردانی از این سیاست صحیح و بحق ایران را با قربانی کردن کویت پرداخت. البته باید توجه داشت که برخی شعار های سیاسی را نباید با شرایط اصلی برای پایان دادن به جنگ مخلوط کرد، زیرا شناختن متجاوز و پرداخت غرامت محوری ترین شرایط ما برای پایان دادن به جنگ بود که به نحوی در قطعنامه ۵۹۸ پیش بینی شد.

البته همین اقدامات ما در طول جنگ هشت ساله، سبب شد شورای امنیت سازمان ملل، که قدرت های جهانی اراده سیاسی خود را از این جایگاه به دنیا دیکته می کنند، ناچار شود قطعنامه ۵۹۸ را تصویب کند، و گرنه نوع برخورد شورای امنیت در وضعیت های متفاوت جنگ را همه به یاد دارند که از مضمون قطعنامه ۵۹۸ نیز بسیار دور بود.

انتظار طبیعی این بود و بعضی مسئولان نظام نیز آن را فقط در جلسات با فرماندهان جنگ مطرح می کردند،

محمدجواد اکبرپوربازگانی یژهوشگر تاریخ جنگ ایران و عراق
پیروزی کامل نظامی دارای مفهومی دقیق و کاملاً مشخص نیست. جنگ ما در راستای اهداف سیاسی جمهوری اسلامی و در خدمت آن بود و هر موقع این اهداف سیاسی که همانا تعیین متجاوز و تنبیه آن بود، تأمین می شد، ناچار جنگ نیز پایان می یافت. آیا اینکه کشوری که دشمن شعار تصرف پایتخت آن را می داد و تصمیم داشت دست کم یک استان آن را پس از اشغال به عنوان یک کشور مستقل از خاک آن جدا کند و همه قوانین و مقررات بین المللی را زیر پا بگذارد، خواسته خود را مبنی بر تعیین و تنبیه متجاوز و دریافت غرامت مطرح کند، یک آرمان خواهی بلند پروازانه است؟ مگر نظام بین الملل هیتر را به دلیل اقدامات مشابه صدام حسین محاکمه نکرد؟ مگر یوگسلاوی به علت تجاوز به حقوق مردم بوسنی تنبیه نشد؟ و مگر عراق در تجاوز به کویت مجبور به پرداخت غرامت نشد؟ پس چرا این خواسته را که طبق مقررات و روش جاری در حقوق بین المللی و عرف دیپلماتیک است، وقتی ایران مطرح می کند «آرمان» تلقی می شود؟ جمهوری اسلامی ایران همیشه به دنبال صلح بود و صلح نیاز دائمی هر کشوری است و راهبرد کلی مسئولان جمهوری اسلامی هم به دست آوردن صلح پایدار و شرافتمندانه بود، ولی نظام بین الملل هیچ گاه برای تحقق یک صلح پایدار و شرافتمندانه قدم پیش
برقعی خانی قهرمزال تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۶/۹ محل تولد: مشهد تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۱۲/۱۱ محل شهادت: فاء نام گلزار: خواجه ربیع
سیدمحمدعزیزوست تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۳/۲۴ محل تولد: مشهد تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۱۱ محل شهادت: حاج عمران نام گلزار: خواجه ربیع
حبیب...آ جاهدیان عملیات مجید تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۳/۱۰ محل تولد: مشهد تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۱۱ محل شهادت: جنوب نام گلزار: بهشت رضا
حسین یورکسوفانی تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱۱/۱۰ محل تولد: مشهد تاریخ شهادت: ۱۱/۱۲/۱۳۶۲ محل شهادت: هورالهویزه نام گلزار: بهشت رضا
احمد بیهمانی تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۵/۳۲ محل تولد: مشهد تاریخ شهادت: ۱۱/۱۲/۱۳۶۵ محل شهادت: شلمچه نام گلزار: بهشت رضا
غلامرضا رفانی تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱۰/۲۲ محل تولد: مشهد تاریخ شهادت: ۱۱/۱۲/۱۳۶۴ محل شهادت: فاء نام گلزار: بهشت رضا

شهیدی هفته

۱۳ اسفند ۱۳۶۴

منطقه عملیات:
دهانه خورعبدا...
نوع یا نام عملیات:
کلبنه و سیدصادق ۲
یگان های شرکت کننده:
ارتش و سپاه
نتیجه عملیات:

تصرف آبادی کلبنه و تبیه ۵۷۷ به همراه تحمیل ۸۰ کشته، ۱۵۰ زخمی و ۵۸ اسیر به دشمن. همچنین انهدام ۷ دستگاه تانک و نفربر و ۱۰ دستگاه کامیون مهمات دشمن.

۱۳ اسفند ۱۳۶۵

منطقه عملیات:
شمال غرب- حاج عمران
نوع یا نام عملیات:
تاخت انهدامی دریایی
یگان های شرکت کننده:
نیروی دریایی ارتش
نتیجه عملیات:

انهدام بویه های(شناوه) دهانه خور عبدا... خورعبدا... به عرض ۵ کیلومتر از معدود آبراهه های قابل کشتی رانی عراق و هم جوار با کویت است.

۱۵ اسفند ۱۳۵۹

منطقه عملیات:
غرب- سرپل ذهاب
نوع یا نام عملیات:
پدافند
یگان های شرکت کننده:
ارتش و سپاه
نتیجه عملیات:

موفقیت نسبی دشمن و سقوط ارتفاع موبرا و ماماخان. رزمندگان نتوانستند به اهداف مدنظر برسند.

۱۶ اسفند ۱۳۶۴

منطقه عملیات:
شمال غرب- چوارتا
نوع یا نام عملیات:
یگان های شرکت کننده:
ارتش شامل هواپیروز و نیروی هوایی و نیروی دریایی و سپاه
نتیجه عملیات:

آزاد سازی جاده خندق و قسمتی از هورالهویزه، انهدام ۶ تیپ پیاده و ۴ تیپ زرهی و مکانیزه ۱۲۰۰۰ کشته و زخمی، ۴۲۰۰ اسیر

والفجر ۹

نبرد در شرق سلیمانیه

عملیات والفجر ۹ عملیاتی است که بعد از حدود ۴ دهه مغفول مانده و آن طور که باید به آن پرداخته نشده است.

این عملیات متهورانه، با خلاقیت فرماندهان جوان سپاه پاسداران و با هدف تجزیه توان دشمن در ۲ جبهه با فاصله ۱۰۰۰ کیلومتر و کاهش فشار دشمن در منطقه فاو طراحی و اجرا شد. ضمن اینکه منطقه و شهر سلیمانیه به عنوان دومین هدف رزمندگان اسلام بعد از بصره به شمار می رفت. پیش از این عملیات والفجر ۸ در منطقه فاو در نتیجه رعایت کامل اصل غافل گیری و اجرای مؤثر عملیات فریب با موفقیت اجرا شده بود که به تصرف شبه جزیره فاو منجر شد. ارتش عراق، تعداد زیادی از یگان های آزاد و احتیاط های راهبردی خود را برای بازپس گیری مناطق از دست داده در عملیات فاو به منطقه سپاه هفتم در جزیره فاو اعزام کرده بود.

از این رو برای تقلیل فشار دشمن در جبهه فاو، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ۱۵ اسفند ۱۳۶۴ با طراحی و اجرای عملیاتی به نام والفجر ۹ در منطقه کوهستانی و پوشیده از برف و صعب العبور شمال غرب، جبهه جدیدی را کشود. این گونه بود که نخستین عملیات از سلسله نبردهای مربوط به راهبرد تعقیب دشمن، در جبهه شمالی در منطقه چوار تای عراق با محوریت لشکر ویژه شهدای خراسان به عنوان یگان «تلاش اصلی» با فرماندهی جوانی بیست و چهار ساله به نام محمود کاوه طراحی و اجرا شد. بر این اساس در روز دوشنبه ۱۲/۵/۱۳۶۴ عملیات والفجر ۹ پس از بیش از یک ماه تلاش و آمادگی با تغییر و تحول های مختلفی که داشت، نهایت با آرایش رزمندگان تیپ قدس با استعداد ۲ گردان در محور راست به موفقیت رسید و آن ها توانستند یال های جلو هزار قله (حلوان) را تصرف و تأمین کنند. در وسط هم، لشکر ویژه شهدا با استعداد ۴ گردان مائوری و ۲ گردان احتیاط در ارتفاعات ماماخان و موبرا که جبهه اصلی و مستحکم دشمن محسوب می شد، عملیات انجام داد. همچنین در محور راست، تیپ ۱۵۷ هابو الفضل با استعداد ۳ گردان در ارتفاعات ناصر کوچک و بزرگ و تیپ نبی اکرم با استعداد ۲ گردان در محور شاخ کوهان وارد عمل شد. تیپ شهید بروجردی نیز با استعداد ۴ گردان، احتیاط کلی قرار گاه را به عهده داشت.

لشکر ویژه شهدا با چنین استعدادی از ساعت ۲۳:۳۰ دقیقه ۱۵ اسفند ۱۳۶۴ به عملیات آغاز شد و بعدازظهر ۱۶ اسفندماه توانست با تلفیق تاکتیک های جنگ چریکی و با پارتیزانی و جنگ کلاسیک، همه اهداف موبرا و ماماخان را تصرف و مرکز قرار گاه تیپ ۵۰۴ دشمن را فتح کند و گردان های پیاده را زیر آل ارتفاع سوق الجیشی «سارسیر» مستقر کند. این لشکر و رزمندگان دلیرش همچنین آماده شدند تا در همان شب از ارتفاع سارسیر و شهر چوار تای عراق را تصرف کنند. البته یگان های هم جوار هم اهداف خود را با اقتدار تصرف کرده بودند. از عصر روز ۱۷ اسفندماه، فرماندهان قرار گاه رده بالاتر به تغییر سمت تک از سارسیر به طرف ارتفاع «کاتو» تصمیم گرفتند، تصمیمی ناگهانی که سرنوشت عملیات را تغییر داد. با این حال عملیات والفجر ۹ به همه اهدافش دست یافت، چه تصرف و آزادسازی همه اهداف عملیاتی و چه جلب نظر و ایجاد تشتت در بین یگان های ارتش عراق که در جبهه جنوب برای بازپس گیری فاو از کنترل سپاهیان اسلام متمرکز شده بودند.

بدر؛ اولین رویارویی لشکر ۵۵

با عراق در جنوب

عملیات خیبر در سال ۶۲ و پیروزی نسبی اش در شروع و عقب نشینی و دست یافتن به اهداف در ادامه ملییات، به علل مختلف از جمله ضعف پشتیبانی های آتش و تدارکاتی و پیش بینی های لازم در طراحی ها، فرماندهان جنگ را بر این داشت که با طراحی جدید و رفع مشکلات و ضعف های عملیات خیبر، در همان منطقه برای عملیات دیگری به نام بدر برنامہ ریزی کنند، زیرا تصرف بصره و جنوب عراق می توانست نقشی اساسی در سرنوئی صدام و حزب بعث عراق داشته باشد.

به دنبال راهبرد جمهوری اسلامی بعد از دفع تجاوز بعثی های عراقی و رسیدن به مرزها، مبنی بر تعقیب متجاوز و تصرف بصره برای سرنوئی حزب بعث و صدام و دست نیافتن به اهداف مدنظر در عملیات های پی در پی رمضان، والفجر مقتدماتی، والفجر یک و خیبر، عراق توانسته بود از شوک عقب نشینی خارج شود. عراق همچنین با ترمیم بنیه دفاعی خود با کمک استکبار جهانی در سراسر مرزها به مواضع دفاعی مستحکم و مناسبی دست پیدا کرده بود. در چنین شرایطی جمهوری اسلامی سعی داشت با تجربه عملیات خیبر و رفع مشکلات خود در این عملیات، در زمینه ضعف عراقی ها در هور و کنترل نداشتن آن ها و اشراف خود به این نقطه سوق الجیشی بهره برداری کند و عملیات اصلی بدر را در سال ۶۲ انجام دهد.

لشکر ۵۵ ویژه شهدای خراسان با ۵ گردان پیاده، یک گردان دریایی و یک گردان ادوات در این عملیات شرکت کرد. لازم به ذکر است، نیروهایی از لشکر شهدا به صورت ادغام در یگان های تیپ یکم لشکر ۲۲ توهده و تعدادی از نیروهای این تیپ ارتش هم به صورت ادغامی در واحدهای لشکر شهدا مأمور شده بودند.

در ۱۱ اسفند ۶۳، لشکر شهپدار کنترل عملیات قرار گاه موقت ظفر به فرماندهی شهید صیاد شیرازی قرار گرفت تا به وسیله هلی برن با بالگردهای شنوک، ۲ گردان خود را به غرب دجله ترابری کند و در یک عملیات استشهادی چریکی، اتوبان العماره به بصره را به کنترل در آورد و از جابه جایی نیروهای عراقی جلوگیری کند، اما به علت برتری هوایی دشمن و خسارات عمده به هواپیروز، این مهم اتفاق نیفتاد و نیروها پس از ترابری هوایی به جزیره مجنون، در ۲۵ اسفند ۶۳ قالب قرار گاه کربلا به فرماندهی سردار عزیز جعفری، در شمال روستای همایون و کانال روطه مسئول مقابله با تانک های عراق شد که موفق به تصرف حد شمالی منطقه عملیاتی شده بود.

۲۶ اسفند ۶۴ دستور عقب نشینی، لشکر شهدا به منطقه عقب و جزایر مجنون بازگشت و فقط یک پاسگاه شناور به نام شهید ترابی را در تقاطع آبراه های شعبان و تبوک به عنوان سر پل حفظ کرد. لازم به ذکر است نیروهای لشکر شهدا ۶ ماه قبل از عملیات بدر، آموزش های فشرده ای را برای هلی برن و زندگی در شرایط سخت و عملیات چریکی ویژه در پادگان خود در مهاباد به وسیله مربیان آموزشی لشکر ۲۲ توهده دیده بودند و خاص عملیات بدر نیز یگان دریایی ایجاد کرده و غواص و سکائی تربیت کرده بودند. به این ترتیب، در عرض چندماه از یک یگان ویژه پیاده کوهستان به یک یگان ویژه آبی خاکی و محمول عملیات هلی برن تغییر ماهیت داد.

روزنامه شهرامیدوزندگی

۲۷ شنبه
۱۱ اسفند ۱۳۶۴
روزنامه شهرامیدوزندگی

۱۳
SHAHRAANNEWS.IR

۲۷ شنبه

۲۷ شنبه